



10.30497/IFR.2022.241199.1634

20.1001.1.22518290.1400.11.1.5.3

دو فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی ۲۱)، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صص. ۱۴۳-۱۶۴

تخلف انحلال قهری قراردادها از قصد متعاملین (با تأکید بر ضمان ناشی از وجه التزام قراردادهای آتی)

محمد رسول آهنگران*

نوید امساکي**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵

مقاله برای اصلاح به مدت ۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

هر معامله‌ای که در عالم حقوق اعتبار می‌شود برگرفته از قصد و اراده طرفین بوده و آثار و احکام عقد منوط به آن است. در مقابل، در انحلال قهری قرارداد که ناشی از تلف قهری مبیع یا تعدّر همیشگی ایفای مفاد تعهد است، رد پایی از قصد و اراده طرفین نبوده و حکم بطلان این نوع قراردادها قطعی است. در قراردادهای آتی طرفین معامله با سپردن وجه التزام نزد اطاق پایاپای متضمن انجام مفاد آن می‌شوند. آنچه حائز اهمیت است اینکه در صورت انحلال قرارداد ذکر شده تکلیف وجه التزام سپرده شده نزد اطاق پایاپای چه خواهد بود؛ به عبارت دیگر ضمان‌آوری وجه مزبور بر قوت خود باقی است یا منتفی بوده و وجوه داده شده، به طرفین معامله برگردانده می‌شود؟ مقاله حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی نگاشته شده و نخست به دنبال برطرف کردن تعارض میان قاعده فقهی «العقود تابعه للقصد» و قاعده «بطلان کل عقد بتعدّر الوفاء بمضمونه» بوده تا بتوان با استفاده از آن حکم وجه التزام نهاده شده در اطاق پایاپای استخراج گردد. نتیجه آنکه با انتفای قصد طرفین نه انقلاب قصد آن‌ها، قاعده انحلال قهری قرارداد بر قاعده پیروی عقد از قصد حاکم بوده؛ همچنین وجه التزام سپرده شده توسط طرفین در قرارداد آتی با انحلال قرارداد ضمان‌آوری خود را از دست داده و اطاق پایاپای ملزم به استرداد وجه التزام یادشده به متعاملین است.

واژگان کلیدی

انحلال قهری؛ قصد؛ قرارداد آتی؛ وجه التزام؛ بطلان عقد.

طبقه‌بندی JEL: K12.

* استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ahangaran@ut.ac.ir

0000-0003-1056-5606

** دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

n.emsaki@ut.ac.ir

0000-0003-2910-6776



مقدمه

یکی از مهم‌ترین قواعدی که در عقود، ذیل آن بحث‌های زیادی مطرح می‌شود «قاعده العقود تابعة للقصد» است. میزان تبعیت و حدود قاعده و امکان تحقق عقد بدون قصد و یا اینکه هر قصدی می‌تواند به منزله ایجاد یک عقد باشد، از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در این قاعده است. در گفتار اول پژوهش تلاش بر آن است اهمیت وجود قصد و اراده در عقد و نیز تبعیت هر عقد و قراردادی از قصد متعاملین به روشنی بیان گردد.

در اقاله قرارداد رد پای قصد و اراده هر دو طرف قرارداد مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که در صورت عدم قصد اقاله یا همان تفاسخ شکل نخواهد گرفت. البته در ماهیت اقاله این بحث مطرح بوده که عقد است یا نوعی فسخ، که در جای خود به آن پرداخته می‌شود. همچنین فسخ که نوعی حق است برای یک طرف معامله قرار داده می‌شود که در صورت صلاحدید خود می‌تواند آن را اعمال یا اسقاط کند. در این نوع از انحلال عقد وجود عنصر قصد به طور قطعی وجود خواهد داشت و بدون آن عقلاً فسخی قابل اعمال نیست. عدم پیروی قصد در انحلال قراردادها هنگامی شکل می‌گیرد که صحبت از انحلال قهری قرارداد می‌شود؛ چراکه در این نوع از انحلال قصدی از ناحیه طرفین موجود نیست و علت انحلال چیزی فراتر از قصد و اراده انسان، یعنی قوه قاهره و عوامل طبیعی است. سؤال اصلی که در این خصوص مطرح می‌شود اینکه تعارض پیش‌آمده میان قاعده «العقود تابعة للقصد» با انحلال قهری قرارداد که در فقه با نام قاعده «بطلان کل عقد بتعذر الوفاء بمضمونه» مطرح می‌شود، چگونه قابل دفع است؟ البته ممکن است گفته شود در نگاهی با دقت بیشتر مشخص خواهد شد در این نوع از انحلال نیز، وجود قصد طرفین به نوعی مشهود است؛ چراکه با ایجاد تعذر دائمی و از بین رفتن امکان عمل به مفاد عقد، عملاً قصد متعاملین منتفی می‌شود و به عبارت دیگر قصد آن‌ها بر عدم امکان وفا به تعهد قرار می‌گیرد؛ و از این جهت ممکن است در انحلال قهری تبعیت عقد از قصد موجود باشد.

در گفتار سوم پژوهش، به بیان تعریف مختصری از قراردادهای آتی و انواع آن و در ادامه به وجه التزام و اقسامش پرداخته شده است. نکته حائز اهمیت در این قراردادها وجه التزامی است که طرفین نزد اتاق پایاپای می‌سپارند و به نوعی خود را

ملزم به انجام مفاد قرارداد در موعد مشخص می‌نمایند. همان‌گونه که به‌نظر می‌رسد با سپردن این وجه التزام برای متعاملین ضمانتی ایجاد شده که در صورت تخلف محکوم به از دست دادن وجه التزام هستند. حال سؤال اصلی اینجاست که اگر در اثر عوامل قهری تعذر دائمی برای ایفای تعهد هریک از طرفین ایجاد شود و معامله باطل شود، بازهم ضمانت یاد شده بر قوت خود باقی است یا با حکومت قاعده انحلال قراردادی این ضمانت از میان می‌رود و وجوه سپرده شده نزد اطاق پایاپای به طرفین برمی‌گردد؟

۱. پیشینه پژوهش

عمرانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی قاعده فقهی العقود تابعه للقصود در حقوق ایران و انگلیس» به بررسی قاعده «العقود تابعه للقصود» و میزان قلمرو و ارتباط آن با قاعده «ما وقع لم يقصد و ما قصد لم يقع» و همچنین اینکه آیا این قاعده تنها در مرحله انعقاد عقد مؤثر است یا پس‌از آن هم کاربرد دارد، پرداخته است.

رزمی و نبی‌نیا (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «قاعده انحلال عقد به عقود متعدد» به بررسی قاعده انحلال قرارداد یا همان قاعده بطلان پرداخته است.

گرجی (۱۳۷۰) در مقاله‌ای با عنوان «قاعده تبعیت عقد از قصد و قاعده انحلال»، به بررسی قاعده بطلان در مورد انحلال قهری قرارداد که دو مبحث متفاوت هستند پرداخته است؛ چراکه در قاعده بطلان از انحلال یک عقد به چندین عقد بحث می‌شود. طباطبایی (۱۳۳۱) در مقاله با عنوان «بطلان، انحلال و فسخ عقد»، به رشته تحریر در آورده است.

خورسندیان و ذاکری‌نیا (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی اراده، قصد و رضا در فقه اسلامی و حقوق ایران»، به بررسی اراده و قصد طرفین پرداخته‌اند و همچنین ذکر شده در صورت تراحم اراده باطنی و ظاهری، اراده باطنی مقدم خواهد بود.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود هیچ‌یک از مقاله‌های فوق‌الذکر درباره موضوع قاعده انحلال قهری قرارداد و جریان آن در ضمان ناشی از قراردادهای آتی نبوده و مهم‌ترین بحث نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌ها همین بحث است، به‌علاوه درباره

تعارض قاعده انحلال قهری قرارداد و قاعده «العقود تابعة للقصود» دارای بحث‌های جدیدی نسبت به سایر مقاله‌ها است.

۲. قاعده العقود تابعة للقصود

از مهم‌ترین قواعد فقهی که درباره آن بحث و اختلاف نظر فراوانی دارند قاعده «العقود تابعة للقصود» است. درجه اهمیت این قاعده به حدی است که فقها، ذیل آن در مورد اینکه در مقام عمل، اراده جدی متعاملین مقدم است یا اراده استعمالی، به بررسی ادله مختلف در این باره تمسک کرده‌اند.

یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده عقود و ایقاعات اراده و قصد طرفین است. عنصر اراده از جایگاه و اهمیت بالایی در بین فقیهان برخوردار است، به گونه‌ای که هر عقدی که صرفاً متشکل از الفاظ و عناصر ابراز اراده بوده و فاقد قصد و اراده باشد را بیپوده شمرده و آن را عقد به‌شمار نمی‌آورند و از آنجایی که قصد را شرط صحت عقود می‌دانند، عقد غافل و نائم و هازل را لغو دانسته و فاقد اعتبار می‌دانند (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۲۲۷).

از جمله مسائلی که در کتب فقهی زیاد دیده می‌شود این است که اراده را از شرایط طرفین عقد به حساب آورده‌اند، در صورتی که این دیدگاه با نقد مواجه شده است (موسوی خمینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۳۷). چراکه اراده و قصد از شرایط عقد و متعاقدين نیست، بلکه آن را در تحقق ماهیت عقد دخیل می‌دانند، در حقیقت شرایط هر چیزی بعد از فرض وجود ماهیت و حقیقت آن چیز است، در حالی که اراده از عناصر تشکیل دهنده عقد بوده نه اینکه از شرایط آن و طرفین عقد باشد.

یک عمل ارادی فقهی حقوقی اگر بخواهد شکل بگیرد دارای چهار مرحله است: «تصور»، «تصدیق»، «رضا» و «قصد» (محقق داماد، قنوتی، وحدتی شبیری و عبدی پور، ۱۳۹۲، ج ۱، صص. ۲۶۱-۲۶۲). همان‌طور که مشاهده می‌شود مرحله رضایت متعاقدين قبل از مرحله قصد آن‌ها است و جمیع این مراحل یک عمل ارادی را تشکیل می‌دهند که طبعاً بدون هریک از آن‌ها می‌توان گفت عمل ارادی ایجاد نشده و در این بحث عقدی صورت نمی‌پذیرد.

در هر نوع از عقود چیزی که اراده به ایجاد آن تعلق می‌گیرد و موضوع قصد و رضا است امر مخصوصی است، چنان‌که در بیع ملکیت عین و در نکاح زوجیت و در اجاره ملکیت منافع است. آنچه در صفحه دماغ انسانی در اثر تحریکات عصبی به صورت قصد انشاء موجود می‌شود اراده حقیقی نیز گویند. برای تحقق عقد، اراده حقیقی کافی نیست و احتیاج به امر دیگر دارد که دلالت بر قصد انشاء کند و آن را اراده انشائی یا خارجی گویند. بنابراین برای انعقاد عقد باید اراده حقیقی به وسیله اراده انشائی و خارجی اعلام گردد (امامی، بی تا، ج ۱، ص. ۱۸۰).

فقه‌ها نیز معتقدند از آنجاکه عقود از امور قلبی است - زیرا که عقد به معنای عهد موکد است و عهد نیز یک امر قلبی است - نیازمند مبرز خواهد بود (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص. ۱۳۵). در ماده ۱۹۱ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است: «عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند». علمای اصول نیز اراده را به دو اراده استعمالی و حقیقی تقسیم نموده‌اند. مدلول استعمالی در نگاه آنان همان استفاده ابزاری از الفاظ برای اخطار معنای لغوی آن به ذهن سامع است در مقابل مدلول جدی که قصد جدی اخبار و یا انشاء است. با این بیان ممکن است متکلم قصد اخطار معنای لفظ را به ذهن مخاطب (یعنی استعمال لفظ را در معنایش) داشته باشد، ولیکن به قصد امتحان یا توریه و... نه به قصد جدی انشاء یا اخبار که در موارد تقیید و تخصیص و تقیه و شوخی و امثال آن، مراد استعمالی محفوظ است و مراد جدی تغییر می‌کند. به طور کلی باید گفت که مرحله استعمال مرحله کشف مدلول تصدیقی و قصدی متکلم برای سامع است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص. ۲۲۳).

هر فرد در حین انشای عقد دو اراده خواهد داشت: یک اراده استعمالی و ظاهری که انشاء می‌کند و دیگری اراده حقیقی و جدی. این دو اراده گاه با یکدیگر تطابق دارند و گاه متفاوت هستند و نیز چه بسا اراده استعمالی موجود در عقود به طور کل فاقد اراده حقیقی باشد، از این روی اعظم فقهای شیعه از آنجاکه قصد را شرط صحت عقود می‌دانند عقد غافل و نائم و هازل را لغو دانسته و فاقد اعتبار دانسته‌اند (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۲۲۷). در ماده ۱۹۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «اگر کسی

در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید، آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است».

با این توضیحات می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت از آنجاکه مراد از عقد عهد موکد بوده و عهد یک امر درونی است بنابراین نیازمند یک مبرز و انشا برای تحقق در خارج است. حال گاهی مستعمل قصد جدی و حقیقی از استعمال خود دارد و گاهی قصد جدی نداشته و گاهی قصد جدی او همان متبادر ذهن مخاطب نیست. بنابراین ملاک قصد جدی است ولی به علت آنکه قصد جدی قابل اثبات نیست اراده‌استعمالی ملاک عمل بوده و به وسیله اصل تطابق میان دو اراده، قصد جدی را از قصد استعمالی اثبات می‌نمایند.

۳. انحلال قرارداد

هر قراردادی که در عالم خارج به وسیله اراده طرفین حاصل می‌شود، می‌تواند به دلیلی انحلال یابد و باطل شمرده شود. این دلیل می‌تواند توسط اراده و قصد و رضای طرفین باشد که اقاله یا تفاسخ نامیده می‌شود؛ نیز می‌تواند به موجب اختیاراتی که قانون برای هر یک از طرفین قرار داده باشد که فسخ نامیده می‌شود و بازگشت این نوع انحلال به قصد و اراده یکی از طرفین است؛ و دلیل دیگری که باعث انحلال یک قرارداد می‌شود، قوه قاهره است که اراده و قصد هیچ‌یک از طرفین در آن نقشی ندارد و به آن انفساخ می‌گویند.

۳-۱. اقاله قرارداد

اقاله در لغت به معنای برداشتن و از بین بردن و در اصطلاح به معنای برداشتن عقد و آثار آن به خاطر تراضی دو طرف (عبدالرحمان، بی‌تا، ج ۱، ص. ۲۵۶) و در اصطلاح حقوقی به معنای تفاسخ و برهم‌زدن عقد با توافق طرفین است (شهیدی، ۱۳۷۳، ص. ۹۷). یکی از راه‌هایی که برای سقوط تعهدات در ماده ۲۶۴ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده، اقاله است. در حقیقت اقاله به معنای برهم‌زدن معامله با اراده دو طرف معامله و تراضی آن‌ها است. ماده ۲۸۳ قانون مدنی بیان می‌دارد: «بعد از معامله

طرفین می‌توانند به تراضی آن اقاله و تفاسخ کنند»، همان‌طور که مشاهده می‌شود در اقاله وجود قصد و اراده طرفین ضروری است.

۲-۳. فسخ قرارداد

فسخ در لغت به معنای فاسد کردن رأی و نظر آمده (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص. ۳۰۱) و در اصطلاح حقوقی عبارت است از پایان دادن به هستی حقوقی یک قرارداد به وسیله یکی از دو طرف یا شخص ثالث (شهیدی، ۱۳۷۳، ص. ۱۸۷). فسخ که یکی از اسباب سقوط تعهدات و قراردادها محسوب می‌شود، در حقیقت نوعی ایقاع است که انحلال یک‌طرفه عقد را به همراه خواهد داشت. از جمله شرایط اساسی فسخ، وجود قصد و رضای فسخ‌کننده است؛ به طوری که اگر شخص فسخ‌کننده به قصد مزاح یا شوخی، قرارداد را فسخ کند، عقد مورد نظر منحل نخواهد شد (شهیدی، ۱۳۷۳، ص. ۱۹۰). چنانچه ملاحظه می‌شود در این نوع از برهم زدن معامله قصد و اراده حداقل یکی از طرفین معامله وجود دارد.

۳-۳. انفساخ قرارداد

قراردادها و عقود که به وسیله قصد و اراده طرفین ایجاد می‌شود، گاهی ممکن است عمل و تعهد به آن‌ها به دلایلی که خارج از اراده انسان است ناممکن شود و به دو گروه کلی تقسیم می‌شود:

الف) تلف قهری مال مورد معامله: در این مورد هر حادثه یا واقعه‌ای مثل سیل، زلزله و به‌طور کلی بلایای طبیعی که خارج از اراده انسان است می‌تواند سبب از بین رفتن مبیع معامله شده و نهایتاً به انحلال قهری قرارداد منجر شود.

ب) ناممکن شدن همیشگی وفای به تعهد: بدین صورت که ممکن است اقداماتی از جانب شخص یا اشخاص ثالث انجام پذیرد که خارج از اراده متعاملین بوده و برطرف کردن آن برای ایشان ممکن نباشد. به‌طورمثال با خدشه‌دار شدن روابط میان دولت‌ها واردات کالایی که مورد معامله بوده تحریم گشته و عملاً جایگزینی هم برای آن وجود ندارد تا بایع به مشتری تحویل دهد فلذا ناچار به اعلام انفساخ معامله هستند.

در این گونه موارد، ایفای تعهد تسلیم مبیع و نیز انجام عمل غیرممکن شده و ساقط می‌شود. در معذوریت تحویل مبیع به تبع آن تعهد طرف مقابل نیز به تسلیم عوض، از بین خواهد رفت و در نتیجه معامله از اساس منحل می‌شود. به همین خاطر فقها در عقد بیع قابلیت تسلیم داشتن مبیع را شرط دانسته و گفته‌اند اگر کبوتر در حال پرواز فروخته شود، معامله صحیح نیست؛ مگر عادتاً برگردد (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۲۴۹). البته اگر تعذر ایجاد شده در اجرای عقد ناشی از استنکاف متعهد از ایفای تعهد باشد، نمی‌توان آن را مصداق تعذر وفا به عهد محسوب کرد و حکم به بطلان عقد داد، بلکه باید او را از طریق حاکم، مجبور به انجام دادن عین تعهد کرد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص. ۱۳۴). بنابراین تلف مبیع در انفساخ قرارداد تنها به موردی مربوط می‌شود که ناشی از قوه قاهره و یا به تعبیری حوادث و وقایع طبیعی باشد. زیرا ادله مربوط به انفساخ عقد در اثر تلف مبیع، منصرف به تلف قهری است، همچنان که مطابق ظاهر ماده ۳۸۷ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران با عقیده مشهور فقها موافقت دارد (شهیدی، ۱۳۷۳، ص. ۲۰۰).

انفساخ قرارداد را می‌توان از جهتی ناشی از دو علت دانست:

۱. انفساخ قراردادی: هنگامی که دوطرف معامله شرط کنند در صورتی که خریدار اقساط معامله را به موقع پرداخت نکند، قرارداد خودبه‌خود منفسخ می‌شود (داراب‌پور و داراب‌پور، ۱۳۹۴، ج ۱، صص. ۳۱۴-۳۱۶). در این نوع انفساخ می‌توان رد پای اراده و قصد متعاملین را در آن دنبال کرد، چراکه به اراده خود چنین شرطی را قرار داده و انحلال قرارداد را که نتیجه آن است پذیرفته‌اند. بنابراین به عقیده نگارنده این نوع از انفساخ را نمی‌توان انحلال قهری قرارداد برشمرد تا در بحث آینده که به آن پرداخته خواهد شد جای گیرد، چراکه در فرض مذکور متعاملین خود اقدام به وضع چنین شرطی کرده‌اند و چه بسا آن نسبت به انحلال قهری عقد سالبه به انتفاء موضوع و به‌نوعی داخل در خیار شرط و ایجاد حق فسخ باشد. نهایتاً می‌توان آن را مشمول این تعریف از انفساخ قرار داد: انفساخ به معنای

گسیخته شدن اتوماتیک و خودبه‌خودی عقد صحیح یا موقوف است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص. ۴۳۸).

۲. انفساخ قانونی: هنگامی که مورد معامله به‌صورت قهری تلف شود و تسلیم آن ممکن نباشد یا ایفای به تعهد ناممکن شود.

۴. قراردادهای آتی

یکی از انواع ابزارهای مشتقه که امروزه بسیار پرکاربرد بوده، قراردادهای آتی است که به دو نوع «قرارداد آتی خاص» و «قرارداد آتی یکسان» تقسیم می‌شود. طبق تعریفی که هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۶ در ماده «۱» بند «۴۵» دستورالعمل ارائه کرده، قرارداد آتی عبارت است از: «قراردادی که فروشنده تعهد می‌کند در سررسید تعیین شده تعداد معینی از دارایی پایه را به قیمتی که در زمان انعقاد قرارداد تعیین می‌شود، بفروشد و در مقابل خریدار متعهد می‌شود آن تعداد معین از دارایی پایه را در همان تاریخ سررسید معین خریداری نماید». فلسفه اصلی تشکیل این نوع قراردادهای کاهش ریسک طرفین معامله بوده و کاربرد اصلی قرارداد آتی ایجاد فرصت مقابله با حرکت نامطلوب قیمت‌ها برای مشتریان در بازار است (Fabozzi, 1992, p. 160). به‌طور مثال کشاورزی که نگرانی کاهش قیمت برنج و به‌تبع آن فروش پانصد کیلو برنج خود را در ۸ ماه آینده دارد با انعقاد قراردادی که به موجب آن، این مقدار برنج را به قیمتی که در قرارداد مشخص می‌شود در موعد معین به فروش می‌رساند و در مقابل خریدار که نگران کمبود برنج در آینده است، از استرس خود می‌کاهد. یکی از زمینه‌های مورداستفاده از این قراردادهای بازار نفت است. به‌صورتی که خریدار و فروشنده با یکدیگر قرار می‌گذارند در آینده مقدار مشخصی نفت خام را با خصوصیات تعیین‌شده، معامله کنند. قیمت نفت خام را طرفین از طریق «حراج حضوری» به‌صورت توافقی در صحن بورس تعیین می‌کنند (درخشان، ۱۳۸۳، ص. ۹۱).

آتی خاص معامله‌ای است که به موجب آن متعاملین بر خرید یا فروش مالی مشخص با قیمت و تاریخ معین در آینده توافق می‌نمایند (Hull, 2005, p. 4) شکل اولیه قراردادهای آتی به صورت آتی خاص بود که به خاطر وجود مشکلاتی از قبیل:

۱. هریک از طرفین معامله جهت انعقاد قرارداد ملزم به یافتن طرف دیگر است.
۲. به دلیل عدم وجود بازار ثانویه، هیچ‌یک از متعاملین نمی‌توانند برگه قرارداد خود را در بازار دوم معامله کنند.
۳. خطر نکول هریک از طرفین و عدم انجام تعهدات (معصومی‌نیا، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۲)؛ با گذر زمان در جهت بهبود عملکرد و ایجاد ضمانت برای طرفین، «قرارداد آتی یکسان» به وجود آمد. با ایجاد این قرارداد، مشکلات یاد شده برطرف گردید، بدین صورت که هریک از طرفین لازم نیست برای یافتن طرف دیگر خود تلاش کند، بلکه اینکار برعهده اتاق پایاپای سازمان بورس و اوراق بهادار بوده و این اتاق از جانب دو طرف وکالت داشته و بین اشخاص انعقاد معامله می‌نماید. همچنین به وسیله این قرارداد امکان خرید و فروش در بازار ثانویه فراهم گردیده و خریدار و فروشنده هر موقع اراده کنند می‌توانند برگه قرارداد خود را به پول نقد تبدیل کنند. مشکل خطر نکول خریدار یا فروشنده از انجام تعهد خود به وسیله سپردن وجه التزام نزد اتاق پایاپای جهت جبران ضرر برطرف گردیده است.

۴-۱. وجه التزام

برای بهبود و تسریع در فرآیند انجام قراردادهای آتی اتاقی به نام اتاق پایاپای وجود دارد که به نوعی تسهیل‌کننده روند یافتن خریدار برای فروشنده و فروشنده برای خریدار است. لکن خریدار و فروشنده را در مقابل یکدیگر قرار نمی‌دهد، بلکه خود به عنوان خریدار در برابر فروشنده و همچنین فروشنده در برابر خریدار خواهد بود و می‌توان گفت از دو طرف وکالت داشته و این خرید و فروش را به عهده می‌گیرد، البته در ماهیت فقهی اتاق پایاپای بحث است که پرداختن به آن موجب اطاله کلام می‌گردد. وجود اتاق پایاپای از ریسک و استرس دو طرف در خصوص یافتن طرف مقابل و عدم انجام

تعهدات می‌کاهد، چراکه این اتاق خود را ملزم به ایفای تعهد طرف مقابل می‌داند. در این بین تنها خطری که اتاق پایاپای را تهدید می‌کند، خطر نکول هر یک از طرفین نسبت به عدم انجام تعهدات است که برای این امر از خریدار و فروشنده وجهی تحت عنوان وجه التزام گرفته می‌شود تا ضمانتی باشد بر انجام مفاد قرارداد. این وجه به سه دسته تقسیم می‌گردد که در ادامه به توضیح مختصری پیرامون آن‌ها پرداخته می‌شود:

۴-۱-۱. وجه تضمین اولیه^۱

این وجه، وجهی است که جهت انجام تعهدات توسط طرفین برای ایجاد یک موقعیت تعهدی از آن‌ها گرفته می‌شود (صادقی شاهدانی و پاک‌ذات، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۳). میزان قیمت این وجه توسط اتاق پایاپای تعیین شده و با توجه به نوسانات قیمت دارایی تفاوت می‌کند. با توجه به سوابق وجه‌های اخذ شده این مبلغ در تضمین اولیه بین یک درصد تا ۱۰ درصد قیمت دارایی پایه متغیر است.

۴-۱-۲. حداقل وجه تضمین^۲

حداقلی از میزان وجه تضمین که برای هر موقعیت تعهدی باز یعنی موقعیتی که هنوز تصفیه نهایی نشده است باید در حساب موجود باشد. این میزان در مشخصات هر قرارداد آتی ذکر می‌گردد. هنگامی که مانده وجه تضمین از حداقل مذکور پایین‌تر بیاید، اتاق پایاپای به سرعت اختطاریه افزایش وجه تضمین را برای طرف قرارداد ارسال کرده و او را ملزم به افزایش وجه تضمین تا میزان وجه تضمین اولیه می‌نماید (صادقی شاهدانی و پاک‌ذات، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۴).

۴-۱-۳. وجه تضمین جبرانی^۳

وجه تضمینی که معامله‌گران پس از دریافت اختطاریه افزایش وجه تضمین نزد اتاق پایاپای تأدیه می‌کنند را وجه تضمین جبرانی می‌گویند. این وجه در واقع مابه‌التفاوت وجه باقی‌مانده و میزان وجه تضمین اولیه است (صادقی شاهدانی و پاک‌ذات، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۴). در صورت عدم پرداخت این وجه موقعیت تعهدی معامله‌کننده بلافاصله در بورس مسدود می‌شود. برای روشن شدن مسأله به این مثال توجه گردد: یک قرارداد آتی نفت خام با قیمت هر بشکه ۱۰۰ دلار (به تعداد ۱,۰۰۰ بشکه) منعقد می‌شود و

وجه تضمین اولیه آن ۱۰,۰۰۰ دلار و حداقل وجه تضمین آن ۹,۰۰۰ دلار برای هریک از طرفین معامله است. حال اگر در روز پنجم قیمت هر بشکه نفت خام به ۱۰۲ دلار افزایش یابد، مبلغ ۲,۰۰۰ دلار (حاصل ضرب تغییر قیمت در تعداد بشکه‌ها) از حساب فروشنده کاسته و به حساب خریدار افزوده می‌شود، یعنی حساب فروشنده ۸,۰۰۰ دلار و حساب خریدار ۱۲,۰۰۰ دلار خواهد شد. همان‌طور که مشاهده می‌شود حساب فروشنده از حداقل وجه تضمین (۹,۰۰۰ دلار) کمتر شده و در این هنگام از سوی اتاق پایاپای جهت شارژ کردن حساب به وی (فروشنده) اخطار داده می‌شود و او باید ۲,۰۰۰ دلار به‌عنوان وجه تضمین جبرانی واریز کند تا مبلغ حسابش به اندازه وجه تضمین اولیه برسد.

۵. تعارض انحلال قهری با قصد متعاملین

هر عقدی که منعقد می‌شود به خواست و اراده طرفین و نشأت گرفته از قصد آن دو است. در واقع آنچه در عالم خارج محقق می‌شود چیزی جز اراده و قصد متعاملین نیست و مطابق قاعده «العقود تابعة للقصد» چه اراده ظاهری حاکم باشد و چه اراده باطنی، اگر خلاف قصد دو طرف معامله عمل شود، عقد مزبور باطل خواهد بود و اثر حقوقی نخواهد داشت. به تعبیر دیگر آنچه قصد شده محقق نشده و آنچه محقق شده قصد نشده است (ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد) که نتیجه‌ای جز بطلان عقد به همراه ندارد. از طرفی دانسته شد انحلال قهری قرارداد به هر سببی از اسباب که خارج از اراده طرفین صورت پذیرد، مورد قصد آن‌ها نبوده است. به دیگر سخن در مواردی که مبیع به‌صورت قهری تلف شود یا وفا به تعهد معامله به دلیلی طبیعی و خارج از اراده افراد، به‌صورت دائمی معذور شود، با قاعده «العقود تابعة للقصد» تعارض خواهد داشت؛ بنابراین قاعده اساس معامله را قصد و اراده طرفین تشکیل می‌دهد و لازم است مطابق آن وجود خارجی پیدا کند، ولی به استناد قوه قاهره قرارداد منحل می‌شود. البته ممکن است گفته شود در تعذر عارضی دائمی، عقد از مسیر قصد خارج شده و کماکان قصد وجود دارد، لکن تا قبل از این قصد و اراده طرفین بر تشکیل قرارداد تعلق داشت ولی با انحلال قهری و دائمی مسیر قصد و اراده‌شان تغییر یافته و به سمت عدم تشکیل

قرارداد تعلق گرفته است. به عبارتی قصد طرفین منقلب شده و بر مبنای عدم تحقق عقد شکل گرفته است. با این بیان از آنجایی که قصد طرفین موجود است قاعده «العقود تابعة للقصد» جاری بوده و تعارضی با قاعده انحلال قراردادی ندارد بلکه این دو قاعده با یکدیگر قابل جمع است، چراکه تنها مسیر قصد متعاملین دگرگون شده نه اینکه قصدی وجود نداشته باشد، بنابراین انحلال عقد نیز به دلیل انتفای هدف انعقاد عقد، منطبق با قصد طرفین مبنی بر عدم ایجاد عقد است. لکن در این سخن اشکالی وجود دارد و چنانچه در ادامه خواهد آمد با توجه به انتفای امکان وفا به قرارداد، قاعده تبعیت عقد از قصد تخصصاً از موضوع قرارداد خارج بوده و حکم به بطلان آن می‌شود، چراکه وقتی به دلیلی خارجی انجام تعهد برای یکی از طرفین معامله ناممکن شود و برطرف ساختن آن تعذر در حیطه اختیار بایع یا مشتری نباشد، طبیعتاً مجالی برای انجام مفاد قرارداد باقی‌نمانده و این سخن اشتباهی است که گفته شود قصد متعاملین منقلب شده، چراکه تمام عقلاً به این مطلب اذعان دارند که قصد اولی و ذاتی طرفین بر انجام معامله بوده و دگرگونی قصدشان مبنی بر انحلال قرارداد سخنی بیهوده به‌شمار می‌آید. بطلان قرارداد به علت ایجاد تعذر دائمی تعهد بدون رأی دادگاه یا اعمال فسخ توسط یکی از طرفین، امری پذیرفته شده در حقوق مصر است (سنهوری، ۱۹۵۸م، ج ۳، ص. ۹۹۱). همچنین در حقوق انگلیس انحلال قرارداد تحت عنوان قاعده‌ای با نام «فراستریشن» مطرح است (بنایی اسکویی، ۱۳۹۱، ص. ۴۸)؛ به‌موجب این قاعده در صورتی که اجرای مفاد قرارداد با شرایطی غیر از آنچه طرفین پیش‌بینی کرده بودند روبرو شود، اجبار متعهد به ایفای تعهداتش امری غیرقابل‌پذیرش است (Walker, 1980, p.500) از همین‌رو قرارداد موردنظر بدون‌نیاز به اقدام ثانوی منحل شده و مورد پذیرش دادگاه خواهد بود (Cheshire & Fifoot, 1976, p.558). اشکال دیگری که مطرح است عدم امکان قرار گرفتن قصد بر امور عدمی است؛ به‌عبارت‌دیگر وقتی تعذر دائمی رخ دهد و قصد منتفی شود، انحلال قهری عقد صورت می‌پذیرد و چگونه می‌توان تصور کرد با منتفی شدن قصد، انحلال قهری از آن تبعیت کرده؟ چراکه در این صورت باید متصور شد که قصد بر امر عدمی دارای اعتبار است و عقود از آن تبعیت می‌کند.

آنچه از عدم امکان انجام تعهد به سبب تلف قهری یا عدم امکان ایفای تعهد گفته شد در متون فقهی با نام قاعده «بطلان کلّ عقد بتعذر الوفاء بمضمونه» از آن یاد می‌شود. به موجب این قاعده هر عقدی که وفا به مضمون آن متعذر دائمی باشد باطل خواهد بود. مطابق این قاعده هرگاه پس از انعقاد قرارداد، متعاملین به علت تعذری دائمی نتوانند به مفاد آن عمل کنند و امکان اجرای مضمون عقد غیرممکن باشد، حکم به بطلان این معامله می‌شود؛ اعم از اینکه تعذر وارد شده مربوط به یکی از طرفین یا هر دو آنها باشد. مفاد این قاعده به معامله خاصی اختصاص ندارد و در همه عقود جاری است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به عقد اجاره اشاره کرد: در اجاره اشیاء که در آن باید منفعت مورد اجاره در مقابل عوض معلوم تملیک شود و هر دو طرف باید به آن ملتزم باشند، چنانچه انجام تعهدات یکی از طرفین یا هر دو آنها متعذر و ناممکن باشد، اجاره فاسد و باطل می‌شود؛ چه این که تعذر وفا به مضمون عقد، به دلیل تلف یکی از عوضین باشد و چه دلیل دیگری داشته باشد. همچنین این قاعده در عقود اذنی جریان دارد؛ به طوری که اگر در عقد ودیعه، ودعی از حفظ چیزی که نزد وی به ودیعه گذاشته شده است عاجز شود، عقد باطل و ردّ مال به صاحبش واجب است (بجنوردی، ۱۳۸۹ق، ج ۵، صص. ۲۲۵-۲۲۶).

۶. انحلال قهری و ضمان وجه التزام قرارداد آتی

همان‌طور که بیان شد در قراردادهای آتی وجه التزامی که از دو طرف گرفته می‌شود به‌نوعی سبب ایجاد ضمانت آنها در برابر دیگری می‌شود که مطابق مقررات و قوانین سرپیچی از تعهد یادشده تبعات خاص خود را به دنبال خواهد داشت، چراکه طرفین معامله هنگام انعقاد قرارداد با قصد محقق شدن مفاد قرارداد پا به چنین معامله‌ای نهاده‌اند و با سپردن وجه التزام نزد اتاق پایاپای اراده و قصدشان این بوده که در صورت تخلف هریک از آنها طرف دیگر می‌تواند به‌وسیله وجه التزام که ضمانت آن شخص محسوب می‌شود طرف متخلف را مجبور به انجام مفاد معامله نماید. در حقیقت قصد و اراده متعاملین بر ضمانت وجه التزامی که نزد نهاد مذکور سپرده می‌شود قرار گرفته است ولی با ایجاد تعذر دائمی برای یکی از طرفین و عدم امکان

ایفای تعهدات، اجرای تعهد توسط طرف دیگر معامله نیز ساقط می‌شود (صفایی، ۱۳۸۳، ص. ۳۰۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص. ۲۴۸). از طرفی دانستیم در قراردادها انحلال قهری بر قصد متعاملین حکومت داشته و سبب فروپاشی نهاد معامله می‌گردد. مسأله‌ای که در این میان مطرح می‌شود اینکه اگر انحلال قهری یک قرارداد آتی فرض شود، ضمانت طرفین که به واسطه اعطای وجه التزام ایجاد شده مقدم است یا انحلال قهری قرارداد؟ برای روشن شدن انحلال قهری یک قرارداد آتی می‌توان به زمانی اشاره کرد که مبيع قید شده در قرارداد آتی در موعد تحویل آن به مشتری توسط حکومت اجنبی اخذ شده یا به دلایلی در گمرک متوقف شده و به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را آزاد ساخت و برگرداندن یا رها ساختن آن امری غیرممکن است. در ماده ۱۳۱ قانون دریایی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هرگاه کشتی نتواند به علت ممنوع بودن تجارت با بندر مقصد و یا محاصره اقتصادی بندر مقصد و یا به علت قوه قهریه حرکت کند، قرارداد مسافرت کان لم یکن تلقی می‌گردد و هیچ‌یک از طرفین، حق مطالبه خسارت از طرف دیگر را نخواهد داشت»؛ با عنایت به این ماده قانونی در صورتی که طبق قرارداد آتی حمل کالایی منوط به گذر از پهنای آب‌ها و اقیانوس‌ها باشد و دچار مشکلی گردد که غیرقابل‌رفع باشد، قرارداد طرفین منفسخ می‌شود. همچنین است در مواقعی که به دلیل حدوث بلایایی که خارج از اختیار انسان است از قبیل بیماری کرونا، سیل، زلزله و آتش‌سوزی امکان انجام تعهد ناممکن شده، بدین‌صورت که کارخانه بایع با تمام مواد تولیدی داخل آن دچار حادثه گشته و ضرر وارد شده آنچنان است که وی تا سالیان متمادی توان احیای کارخانه خود و انجام مفاد مورد تعهد در معامله را نداشته باشد یا به علت شیوع ویروس کرونا به هر دلیلی مانند بیماری کارگران، تعطیل شدن کارخانه یا غیره عملیاتی ساختن تعهدات ذکر شده در متن قرارداد آتی ناممکن شود که در نتیجه با توجه به غیرارادی بودن این اتفاقات معامله منفسخ و منحل می‌شود. به بیان دیگر معامله از سیر طبیعی خود مبنی بر انجام مفاد تعهد که قصد طرفین بر آن تعلق گرفته بود خارج شده و قصد و اراده آن‌ها منتفی و انحلال قهری قرارداد بر قصد متعاملین حاکم گشته است. باید دقت داشت «با انحلال معامله، تعهد طرفین نسبت به یکدیگر پایان می‌پذیرد و اگر یکی به تعهد خود عمل کرده باشد، می‌تواند عین یا بدل آن

رابازستاند» (داراب‌پور و داراب‌پور، ۱۳۹۴، ج ۱، ص. ۳۰۷). همچنین ممکن است عدم امکان انجام تعهد به خاطر خود عمل باشد، مانند موردی که تعهد موردنظر در قرارداد آتی حمل کالایی از نقطه‌ای به نقطه دیگر باشد و بعد از انعقاد قرارداد و در موعد تحویل، جابجایی آن کالا توسط قانون ممنوع شود. در مواردی که مباشرت طرف قرارداد شرط است، در صورت فوت و یا عجز او از عمل، قرارداد آتی موردنظر منفسخ خواهد شد.

بنابراین در صورتی که به هر علت قهری طرفین قرارداد آتی از ایفای تعهدات خود به صورت همیشگی معذور شوند، می‌توانند با استناد به قاعده انحلال قهری قرارداد از انجام تعهدات خود سرباز زنند یا اینکه طبق ضمانتی که به واسطه سپردن وجه التزام برایشان ایجاد شده ملتزم به انجام مفاد قرارداد هستند؟ ثمره بحث در جایی مشخص می‌شود که در صورت حکومت قاعده انحلال قهری قرارداد وجه التزام توسط اطاق پایاپای به دو طرف استرداد می‌شود، ولی اگر ضامن بودن آن‌ها حاکم باشد وجه التزام توسط اطاق پایاپای ضبط می‌گردد و از طرفی به نظر مورد اخیر مورد قبول نبوده و ضبط وجه التزام توسط اطاق پایاپای خلاف مبانی فقهی حقوقی است، چراکه طبیعتاً وقتی به سبب علتی قهری ایفای تعهد منتفی شده، متعاملین قدرت انجام آن را نخواهند داشت و معامله خودبه‌خود منفسخ می‌گردد. با انحلال قرارداد آتی به دلایل گفته شده در صورتی که خارج از اختیار و اراده طرفین باشد دیگر وجهی برای وجود قصد متعاملین در معامله نخواهد بود. همان‌طور که در قسمت قبلی مفصل توضیح داده شد با منحل شدن قرارداد، قصد و اراده‌ای از طرفین باقی نمانده و قاعده انحلال قراردادی بر قاعده تابعیت عقد از قصد حکومت یافته و در نتیجه تبعات و آثار معامله تابع قاعده انحلال قرارداد خواهد بود. در مسأله مورد بحث یعنی قرارداد آتی طرفین با اعطای وجه التزام به اطاق پایاپای قصدشان ضمان‌آور بودن وجه مذکور بوده تا در صورت تخلف هریک نسبت به مفاد قرارداد اطاق پایاپای آن وجه را ضبط نماید اما با انحلال قرارداد آتی و اثبات حکومت قاعده انحلال بر قاعده «العقود تابعه للقصد» مجالی برای ثبت و ضبط نمودن وجه التزام توسط اطاق پایاپای نمی‌ماند، چراکه قصد طرفین منتفی بوده و انجام مفاد قرارداد به دلایل خارج از اراده طرفین برای آن‌ها ناممکن شده است

و با حکومت قاعده انحلال اطاق پایاپای ملزم به استرداد وجه التزام اخذ شده به طرفین می‌باشد. برای این ادعا علاوه بر استدلالات یاد شده می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) قدرت شرط انجام تکلیف: یکی شرط قدرت بر انجام تکلیف است که امری پذیرفته شده در اصول فقه بوده و فقها نسبت به آن اتفاق نظر دارند. اگر طرفین بخواهند به همان چیزی که مورد قصدشان قرار گرفته عمل کنند و از طرفی آن متعلق قصد به‌طور قهری تلف شده باشد یا وفا به آن ممکن نباشد، تکلیف ما لایطاق خواهد بود، که از آن نهی شده است؛ و نهی لازم به نفی ملزوم می‌انجامد، بنابراین تکلیف باطل است. در این مبنای فقهی که به درستی بیان شده و از استحکام بالایی برخوردار است، مشاهده می‌شود که اگر مکلفین مجبور به عمل به مقاصد خود شوند، عملاً تکلیف ما لایطاق که برگرفته از آیه شریفه «لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا» (بقره: ۲۸۶) است به‌وجود می‌آید و بلکه تکلیف به محال است. شرط قدرت یکی از شرایط عامه تکلیف بوده و علمای اصول آن را شرط فعلیت تکلیف دانسته‌اند (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۴۱۹). عمده دلیل کسانی که قائل به اختصاص تکالیف به قادرین هستند لزوم لغویت است، با این استدلال که انگیزه مولا از بعث کردن عبد، منبعث گشتن اوست، ولی هنگامی که عبد قدرت بر انجام تکلیف ندارد لغویت به‌وجود می‌آید (اصفهان‌ی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۵۰). با این استدلال هنگامی که عمل به مفاد قرارداد آتی به علتی از علل که به‌صورت قهری و خارج از اراده طرفین معامله است ناممکن و غیرقابل جبران باشد و دیگر طرف متعهد توان و قدرتی برای برگرداندن شرایط موجود یا جبران آن نداشته باشد معامله منفسخ می‌شود. همچنین به تعبیری اگر گفته شود وی ملزم به انجام مفاد معامله است تکلیف ما لایطاق خواهد بود که با استدلال ذکر شده این تکلیف قبیح بوده و معامله محکوم به بطلان است، فلذا وجه سپرده شده نزد اطاق پایاپای از درجه ضمان آور بودن ساقط شده و این اطاق باید وجوهی که از متعاملین اخذ نموده را به آن‌ها بازگرداند.

ب) لزوم ارتفاع نقیضین: صحت و فساد از اموری هستند که تقابل بین آن‌ها از نوع عدم و ملکه است؛ چراکه منظور از صحت قرارداد، تمام بودن معامله و

مقصود از فساد، ناقص بودن معامله از جهت اجزا و شرایط و عدم موانع است. «بنابراین، تعریف صحت به چیزی که اثر قصد شده از عقد، بر آن مترتب است و در برابر آن، تعریف باطل به چیزی که اثر مقصود از عقد بر آن مترتب نیست، هردو مصداق تعریف شیء از طریق تعریف به لوازم آن است. از سوی دیگر دو شیء متقابل که تقابل آن‌ها به شکل عدم و ملکه است در حکم دو نقیض هستند که ارتفاع آن‌ها ممکن نیست. پس اگر یکی از آن دو (صحت یا فساد) مرتفع شود به ناچار دیگری موجود می‌شود» (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص. ۱۴۲). بنابراین اگر مبیع قید شده در قرارداد آتی تلف شده یا وفای به تعهد تعذر همیشگی داشته باشد، عمل به مقصود طرفین ممکن نخواهد بود و قصد آن‌ها مبنی بر ایجاد ضمان در اعطای وجه التزام منتفی خواهد بود؛ پس وقتی عمل ممکن نباشد و قاعده «بطلان کلّ عقد بتعذر الوفاء بمضمونه» جاری شود، به ناچار قاعده «العقود تابعه للقصود» جریان نمی‌یابد و به تبع آن ضمانت موجود در وجه التزام قراردادهای آتی از بین می‌رود و در نتیجه افاق پایاپای نمی‌تواند وجوه اخذ شده را نزد خود نگه دارد تا طرفین به تعهداتشان عمل کنند بلکه باید آن وجوه را به قیمت روز به متعاملین برگرداند.

ج) امره بودن قاعده انحلال: دیگر اینکه از آنجایی که قاعده انحلال قهری قراردادهای از قواعد امره به‌شمار می‌رود نسبت به دیگر موارد از جمله ضمانت موجود در وجه التزام قراردادهای آتی اولویت دارد. قواعد امره قواعدی هستند که خارج از اراده افراد اجرا شده و تخلف از آن‌ها جایز نیست، چه به‌طور مطلق و چه نسبت به هدف دو طرف معامله. چراکه رسیدن به این هدف دقیقاً به‌وسیله قواعد ذکر شده تنظیم گردیده است (دل و کیو، ۱۳۸۰، ص. ۶۴). با این بیان قاعده انحلال قهری قرارداد به علت آنکه بیرون از اراده و قصد طرفین بوده در صورت تعذر همیشگی، جزء قواعد امره محسوب شده و بر قصد طرفین و ضمان ایجاد شده به‌وسیله وجه التزام در قرارداد آتی حاکم است. همچنین در ماده ۹۷۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران آمده است «هرگاه قرارداد مخالف با قواعد امره تشخیص داده شود، تمامی آن باطل و بلااثر خواهد بود». بنابراین

انحلال قهری سبب بطلان معامله آتی می‌شود و به تبع وجه التزام آن بدون اثر خواهد بود.

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت قاعده انحلال قهری قراردادها نسبت به قاعده «العقود تابعه للقصد» و به تبع آن نسبت به ضمانت ایجاد شده در قرارداد آتی حاکم بوده و در فرض ایجاد تعذر قهری دائمی برای طرفین ضمانت ایفای تعهدات آنها نسبت به موضوع معامله منتفی شده و معامله باطل خواهد بود. به عبارت دیگر با بطلان معامله قصد طرفین در جهت تحقق مفاد معامله منتفی شده و نهایتاً ضمانت ناشی از وجه التزام در قراردادهای آتی از میان برداشته می‌شود نتیجه عملی این ابطال آن است که در نهایت افاق پایاپای ملزم به استرداد وجه باقی مانده در حساب طرفین نسبت به روز انحلال قرارداد به آنها است و این افاق نمی‌تواند به بهانه ضمانت، متعاملین را به اجرای مفاد قرارداد اجبار یا وجه التزام سپرده شده نزد خود را ضبط نماید بلکه ملزم است با توجه به انحلال قهری همیشگی رخ داده که خارج از اراده و قصد طرفین است وجوه التزام را براساس آخرین قیمت روز انحلال به آنها برگرداند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد افاق پایاپای روزانه براساس آخرین قیمت روز مبیع، وجوه اخذ شده را تعدیل می‌نماید و به این واسطه یا به حساب فروشنده افزوده و از حساب خریدار کاسته می‌شود یا بالعکس به حساب خریدار افزوده و از حساب فروشنده کاسته می‌شود. با توجه به این مطلب و همچنین لزوم بازگرداندن وجوه التزام توسط افاق پایاپای به طرفین این افاق باید براساس آخرین قیمتی که وجوه التزام تعدیل شده است آنها را به متعاملین برگرداند.

نتیجه‌گیری

وجود قصد و اراده در هر قراردادی لازم و ضروری بوده و بدون آنها شکل‌گیری معامله با مشکل مواجه خواهد شد. از مطالب ذکر شده در پژوهش به دست می‌آید اراده جدی و اراده استعمالی در مقام استناد و حکم دادن بسیار مهم و در صورت احراز وجود اراده جدی، در مقام عمل بر اراده استعمالی مقدم است. در انحلال قراردادها نیز بیان شد که در دو نوع از انحلال یعنی فسخ و تفاسخ قصد و اراده یکی از متعاملین یا

هر دو شرط است و بدون آن انحلال صورت نمی‌گیرد. تا به اینجا وجود قصد در انعقاد و انحلال قرارداد لازم و ضروری به نظر می‌رسد، لکن در بحث از انحلال قهری معامله صحبتی از قصد و اراده متعاملین نیست، بلکه قوه قاهره یا عللی خارج از اختیار طرفین معامله حاکم بوده و به سبب تلف قهری مبیع یا ناممکن بودن وفا به تعهد انحلال و بطلان قرارداد شکل می‌گیرد. در دفع تعارض پیش‌آمده میان انحلال قهری قرارداد و تابعیت عقد از قصد بیان شد قاعده فقهی «بطلان کلّ عقد بتعذر الوفاء بمضمونه» بر قاعده تابعیت عقد از قصد مقدم بوده و حاکم است. از طرفی بحث شد در قراردادهای آتی وجه التزامی که دو طرف معامله نزد اطاق پایاپای قرار می‌دهند به نوعی برای ایشان نسبت به انجام مفاد قرارداد ایجاد ضمانت می‌کند که با انحلال قهری قراردادی به وجود آمده به سبب تعذر دائمی، دیگر وفای به عهد امکان‌پذیر نبوده و قصد طرفین منتفی شده و با توجه به حکومت قاعده انحلال قهری قراردادی بر قصد متعاملین، ضمانت نشأت گرفته از وجه التزام موجود در قرارداد آتی از میان برداشته می‌شود و نهایتاً اطاق پایاپای ملزم به برگرداندن وجوه اخذ شده به قیمت روز ابطال است.

یادداشت‌ها

1. Initial Margin
2. Maintenance Margin
3. Variation Margin

کتابنامه

- قرآن کریم.
- اصفهان، شیخ محمدحسین (۱۴۱۴ق). *نهایة الدرایة فی شرح الکفایة* (چاپ اول). قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- امامی، حسن (بی‌تا). *حقوق مدنی*، تهران: اسلامیه.
- بجنوردی، میرزا حسن (۱۳۸۹ق). *القواعد الفقهیه*. نجف: مطبعة الآداب فی النجف الاشرف.
- بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*. قم: الهادی.
- بنایی اسکویی، مجید (۱۳۹۱). *انحلال قهری و اختیاری قرارداد متعذر شده*. دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱ (۲)، ۴۵-۵۴.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). *تئوری موازنه*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- داراب‌پور، مهرباب؛ و داراب‌پور، محمدرضا (۱۳۹۴). *حقوق قراردادها*. تهران: جنگل.
- درخشان‌نو، مسعود (۱۳۸۳). *مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت*. تهران: مؤسسه تحقیقات بین‌المللی انرژی.
- دل وکیو، ژرژ (۱۳۸۰). *فلسفه حقوق (جواد واحدی، مترجم)*، تهران: دادگستر.
- رزمی، محسن؛ و نبی‌نیا، خالد (۱۳۹۰). *قاعده انحلال عقد به عقود متعدد در فقه و حقوق موضوعه*. فصلنامه علمی فقه و تاریخ تمدن، ۸(۲۸)، ۵۱-۸۲.
- زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۵۸). *الوسیط فی شرح القانون المدنی*. قاهره: مکتبه النهضة المصریة.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*. قم: کتابفروشی داوری.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۳). *سقوط تعهدات*. تهران: کانون وکلای دادگستری.
- صادقی شاهدانی، مهدی؛ و پاک‌ذات، سید مهدی (۱۳۹۷). *قراردادهای آتی نفت، تعهد به بیع یا تعهد به انتقال روزانه وجه تضمین*. فصلنامه علمی مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۶(۲۰)، ۱۸۱-۲۰۰.
- صفایی، سید حسین (۱۳۸۳). *دوره مقدماتی حقوق مدنی (جلد دوم)*. تهران: میزان.
- طباطبایی، علی محمد (۱۳۳۱). *بطلان، انحلال و فسخ عقد*. کانون وکلا، ۵(۲۹)، ۴۲-۴۹.
- عبدالرحمان، محمود (بی‌تا). *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة*. بی‌جا.
- عمرانی، امیر (۱۳۹۲). *بررسی قاعده فقهی العقود تابعه للقصود در حقوق ایران و انگلیس*. *دوماهنامه علمی دادرسی*، ۵۰(۱۰۱)، ۳۴-۴۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). *قواعد عمومی قراردادها (چاپ دوم)* تهران: شرکت انتشار با همکاری شرکت برنا.
- گرچی، ابوالقاسم (۱۳۷۰). *قاعده تبعیت عقد از قصد و قاعده انحلال*. *فصلنامه علمی تحقیقات اسلامی*، ۱(۱)، ۵۲-۶۷.
- محقق‌داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). *قواعد فقه*. تهران: نشر علوم.
- محقق‌داماد، مصطفی؛ فنواتی، جلیل؛ وحدتی شبیری، حسن؛ و عبدی‌پور، ابراهیم (۱۳۹۲).

- حقوق قراردادها در فقه امامیه. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- معصومی‌نیا، غلامعلی (۱۳۸۷). *ابزارهای مشتقه بررسی فقهی و اقتصادی* (چاپ اول). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۰۷ق). *البیع*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶). *فوائد الأصول* (جلد چهارم) (چاپ اول). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- هاشمی‌شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۱). *درسنامه اصول فقه*. قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
- Cheshire, A., & Fifoot, A., (1976). *Law of contract*, Butterworth. 9th ed, London.
- Omrani, A. (1392). A Study of the Jurisprudential Rule of Contracts Subject to Intent in Iranian and British Law. *Bimonthly Scientific Journal*, 50 (101), 34-40.
- Hull, J. C., (2005). *Fundamentals of Futures and Options Markets*, Prentice Hall, 4ed.
- Georgian, A. (1370). The Rule of Compliance with the Intention and the Rule of Dissolution. *Scientific Quarterly of Islamic Research*, 1 (1). 52-67.
- Modigliani, F., & Fabozzi, F. J. (1992). *Capital Markets: Institutions and Instruments*. Englewood Cliffs (NJ), Prentice-Hall.
- Razmi, M; & Nabiunia, K. (1390). The Rule of Dissolving a Contract into Multiple Contracts in Jurisprudence and Law. *Scientific Quarterly of Jurisprudence and History of Civilization*, 8 (28), 51-82.
- Tabatabai, A, M. (1331). *Annulment, Dissolution and Termination of the Contract*. *Bar Association*. 5 (29), 42-49.
- Walker, D. M. (1980). *The Oxford Companion to Law*. Clarendon Press, Oxford.